

زندگی اجتماعی در عصر اطلاعات

O Theories of the information Society
O Frank Webster
O Routledge
O ۱۹۹۵

● بهاره دوران

دانشجوی دکتری جامعه شناسی، تربیت مدرس

- فصل ۴- اطلاعات، دولت ملی و نظارت: آنتونی گیدنز
فصل ۵- اطلاعات و سرمایه‌داری پیشرفته: هربرت
شیلر
فصل ۶- مدیریت و دستکاری اطلاعات: یورگن
هابرماس و انحطاط عرصه عمومی
فصل ۷- اطلاعات و بازساخت یابی: ورای فوردگرایی؟
فصل ۸- اطلاعات و پسامدرن گرایی
فصل ۹- اطلاعات و دگرگونی شهر: مانوئل کاستل

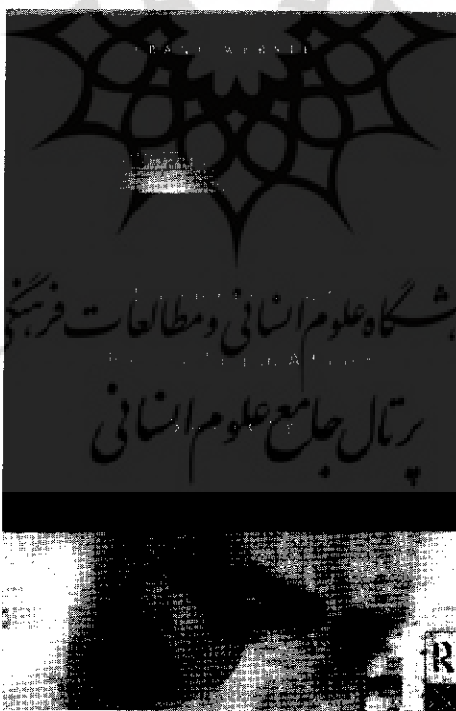
فصل ۱) مقدمه

نقطه آغاز کتاب، یافتن راهی برای درک جوامع معاصر است. مفسرین پیوسته درباره اطلاعات، به عنوان وجه متمایز دنیای مدرن بحث کرده‌اند و بیشترین توجه مصروف اطلاعاتی شدن زندگی اجتماعی شده است، ایشان اظهار می‌دارند که ما در حال ورود به عصر اطلاعاتیم. دوره‌ای که در آن شیوه جدیدی از تولید غلبه کرده و ما به سمت اقتصادی اطلاعاتی در سطح جهان حرکت کرده‌ایم.

برخی نیز پارافراتر گذاشته، امریکا، انگلیس، ژاپن، آلمان و کشورهای از این دست را به عنوان جوامع اطلاعاتی معرفی کرده‌اند. لیکن این همه آشکار می‌سازد که اطلاعات امروزه چندان اهمیتی یافته است که به عنوان نماد زندگی در جوامع معاصر ملاحظه می‌شود.

همین توجه به جریان اطلاعات، جرقه نگارش این کتاب بوده است و از آنجا که اندیشمندان نام‌آور در این عرصه از رشته‌های مختلفی نظیر جامعه‌شناسی، اقتصاد، جغرافیا و فلسفه بودند، هر فصل به یک تئوری خاص اختصاص یافته و در آن نقاط قوت و ضعف تئوری، در پرتو تحلیل‌های نظری و شواهد تجربی، آشکار شده است.

باری، مشتغلین این عرصه را می‌توان در دو دسته



اطلاعات را وجه متمایز دنیای مدرن دانسته‌اند. در این کتاب مهم‌ترین نظریه‌های جامعه اطلاعاتی معرفی و نقد شده است. به نظر دانیل بل، جامعه پسا صنعتی نیازمند مقادیر بیشتری اطلاعات است و از سوی دیگر نیازمند یک تغییر کیفی به ویژه در دانش نظری است.

گیدنز معتقد است که جوامع جدید از بدو پیدایش، اطلاعاتی بوده‌اند. زیرا دولت ملی به اطلاعات درباره شهروندان برای بسیج آنها در مقابل دشمن و اخذ مالیات نیازمند است.

هربرت شیلر یک پرسش اصلی دارد: تکنولوژی جدید اطلاعات به نفع چه کسی و تحت کنترل کیست؟ در نهایت شیلر، سرمایه‌داری شرکتی را ذینفع اصلی انقلاب اطلاعاتی معرفی می‌کند.

هابرماس، با تأکید بر اهمیت اطلاعات در «عرصه عمومی» معتقد است با استقرار سرمایه‌داری و تک قطبی شدن رسانه‌های توده‌ای، عرصه عمومی روبه انحطاط رفته و در واقع عرصه‌ای برای نمایش قدرت شده است.

مانوئل کاستل، ذهن خود را متوجه تغییر در ساخت طبقاتی شهر می‌کند: شهر اطلاعاتی نیازمند کارکنان اطلاعاتی است. پس در این شهر، مشاغل بدی، روبه کاهش می‌گذارد و مشاغل خدماتی که نیازمند کمترین مهارت است، رشد می‌کند.

فرانک وبستر، کتاب خود را در نه فصل به شرح زیر تنظیم کرده است:

- فصل ۱- مقدمه
فصل ۲- اطلاعات و اندیشه یک جامعه اطلاعاتی
فصل ۳- جامعه اطلاعاتی به عنوان پسا صنعتی گرایی:

دانیل بل

گردآورد. یک دسته آنهایی که قایل به پیدایی گونه جدیدی از جامعه و به سخن دیگر نوعی گسست از اشکال پیشین جوامع اند:

○ پسا صنعتی گرایی [Post-industrialism] (دانیل بل [Daniel Bell])

○ پسامدرن گرایی [Post-modernism] (ژان بودریار [Jean Baudrillard]، مارک پوستر [Mark Poster]، و...)

○ تخصصی شدن منعطف [flexible specialisation] (مایکل پیوره [Michael Piore]، چارلز سابل [Charles Sabel]، لاری هیرش هورن [Larry Hirschhorn]، و...)

○ شیوه اطلاعاتی توسعه [the information mode of development] (مانوئل کاستل [Manuel Castells])

دسته دیگر آنهایی اند که علیرغم تایید برجستگی اهمیت اطلاعات در دنیای مدرن و جوامع معاصر، قائل به استمرار و پیوستگی با اشکال پیشین جوامع اند (و نه پیدایی گونه‌ای تازه):

○ نئومارکسیسم [neo-marxism] (هربرت شیلر [Herbert Schiller]، و...)

○ تئوری تنظیم [regulation theory] (مایکل اگلیت [Michel Agliette]، الین لایپیتز [Alain Lipietz]، و...)

○ تکثیر منعطف [flexible accumulation] (دیوید هاروی [David Harvey])

○ دولت ملی و خشونت [the nation state and violence] (آنتونی گیدنز [Anthony Giddens])

○ عرصه عمومی [the public sphere] (یورگن هابرماس [Jurgen Habermas] و نیکولاس گارنهام [Nicholas Garnham])

فصل ۲) اطلاعات و اندیشه یک جامعه اطلاعاتی

به طور کلی پنج گونه تعریف از جامعه اطلاعاتی ارائه شده است. این تعاریف برحسب اینکه بر کدام جنبه از حیات اجتماعی تأکید دارند به شرح زیرند:

۱- تعریف تکنولوژیک

۲- تعریف اقتصادی

۳- تعریف شغلی

۴- تعریف فضایی (spatial)

۵- تعریف فرهنگی

۱- تعریف تکنولوژیک

رایج‌ترین تعریف جامعه اطلاعاتی، بر نوآوری چشمگیر تکنولوژیکی تأکید دارد. لب کلام این تعریف از این قرار است که پیشرفت‌های پردازش، ذخیره و انتقال اطلاعات منجر به به‌کارگیری تکنولوژی‌های اطلاعاتی در تقریباً تمام گوشه‌های جامعه شده است. نکته اصلی در اینجا، کاهش شگفت‌انگیز قیمت کامپیوترها، افزایش حیرت‌انگیز قدرت و کاربرد آنها، در همه جا و هر کجاست. از سوی دیگر تلاقی پیشرفت‌های پردازش و ارتباطات راه دور است یعنی کامپیوتری کردن ارتباطات راه دور. به هر حال به قول نیست: تکنولوژی کامپیوتر برای عصر اطلاعات، همچون مکانیزاسیون است برای انقلاب صنعتی.

عرصه عمومی از نظر هابرماس،
عرصه‌ای مستقل از حکومت و از نیروهای اقتصادی است که
برای مباحث دستکاری نشده عقلانی
در اختیار عموم قرار دارد و افکار عمومی
در آن شکل می‌گیرد

با برجسته شدن شرکت‌های فراملی و فشار ناشی از عمل
در زمینه اقتصاد جهانی، مرگ فورد گرایی فرا می‌رسد

اندیشه اصلی مانوئل کاستل این فرار است که
سازمان‌های دولتی و اقتصادی به همراه
نوآوری تکنولوژیک در فضای اجتماعی و در نتیجه
معمولاً در شهرها

ظهور و بروز است.

برای مثال، مارک پورات، به سال ۱۹۶۰ میلادی اقتصاد را به بخش‌های اولیه، ثانویه و غیراطلاعاتی تقسیم کرد. بخش اولیه اقتصاد، شامل کلیه صنایعی است که اطلاعاتشان را در بازارهای رسمی ارائه می‌کنند (مانند رسانه‌های ارتباط جمعی، آموزش، تبلیغات، ساخت کامپیوتر). بخش ثانویه اقتصاد، شامل فعالیت‌های اطلاعاتی از قبیل تحقیق و توسعه در یک شرکت داروسازی، اطلاعات تولیدی بخش‌های دولتی برای مصرف داخلی و منابع کتابخانه‌ای یک شرکت نفتی است. بدین ترتیب پورات با مشخص ساختن بخش‌های اولیه و ثانویه اقتصاد، سهم بخش اطلاعات را در تولید ناخالص ملی آمریکا ۴۶٪ محاسبه نمود و براین اساس اقتصاد آمریکا را اقتصادی اطلاعاتی قلمداد کرد. لذا، آمریکا، جامعه‌ای اطلاعاتی است، چرا که عرصه‌های عمده فعالیت اقتصادی آن اطلاعاتی است.

انتقادات

سه انتقاد عمده به تعاریف اقتصادی جامعه اطلاعاتی

تعریف تکنولوژیک جامعه اطلاعاتی، دست کم با دو انتقاد جدی روبروست:

الف) برای ورود به جامعه اطلاعاتی، چه میزان تکنولوژی اطلاعاتی لازم است؟ مسئله اندازه‌گیری تکنولوژی، برای پاسخ به این پرسش که آیا جامعه، به عصر اطلاعات وارد شده یا نه، مسئله‌ای اساسی است.

ب) به نظر می‌رسد تکنولوژی بدین ترتیب، از بقیه جوانب حیات اجتماعی متمایز و ممتاز گشته، حال آنکه تکنولوژی نیز جزئی از اجزای جامعه است.

۲- تعریف اقتصادی

در یکی از تقسیم‌بندی‌های، بخشی از اقتصاد را به اقتصاد اطلاعات اختصاص می‌دهند. آنگاه ارزش اقتصادی بخش اطلاعات و نقش آن در تولید ناخالص ملی را محاسبه می‌کنند. باملاحظه افزایش سهم بخش اطلاعات در تولید ناخالص ملی، نتیجه‌گیری می‌شود: جامعه اطلاعاتی در حال

در عصر اطلاعات، شیوه جدیدی از تولید غلبه کرده و ما به سمت اقتصادی اطلاعاتی در سطح جهان حرکت کرده‌ایم

جامعه اطلاعاتی را مشخص می‌سازد.

د) در رویکردی کلی، همواره شبکه‌ها فعال بوده‌اند، چه چیزی آنها را در دهه ۸۰ آن قدر برجسته ساخته است که معیار جامعه اطلاعاتی معرفی شوند؟

۵- تعریف فرهنگی

نقش جدی و فزاینده اطلاعات در چرخه زندگی اجتماعی، محور توجه تعریف فرهنگی جامعه اطلاعاتی است. این واقعیتی انکارناپذیر است که در دهه‌های اخیر، شاهد انفجار تنوع و تعدد اطلاعاتی بوده‌ایم که در دسترس مردم قرار گرفته است و البته آنها را به نحو چشمگیری تحت تاثیر قرار داده است. نفوذ اطلاعات به درون صمیمی‌ترین قلمرو زندگی، اتاق خواب و حتی بدن انسان، با رشد موسساتی که بر وجه نمادین زندگی هر روزه سرمایه‌گذاری می‌کنند، تکمیل شده است. به قول بودریار نوعی سیطره علائم.

انتقادات

مهمترین انتقاد بر این تعریف، از این قرار است که این تعریف به واقع تعریف نیست! چرا که معیاری برای اندازه‌گیری و مشاهده به دست نمی‌دهد.

بحث و بررسی تعاریف جامعه اطلاعاتی

هر چند باید به نقش مهم اطلاعات در عصر حاضر اذعان داشت، لیکن هیچیک از این تعاریف دقیق و قطعی نیست. مهم‌ترین معضل، به اندازه‌گیری کمی در مقابل جنبه‌های کیفی، باز می‌گردد. اما پیش از آن باید به بررسی معنای اطلاعات پرداخت، حال آنکه در تعاریف مذکور، این معنا کاملاً مورد بی توجهی واقع شده و بعد نمادین (کمی) آن مورد توجه قرار گرفته است. به سخن دیگر، معنا و ارزش اطلاعات از تعاریف کنار گذاشته شده است. در نتیجه، برای نشان دادن دگرگونی جوامع و ورود به جامعه اطلاعاتی باید پیش از هر چیز به معنا و ارزش اطلاعات بپردازیم. چه نوع اطلاعاتی افزایش یافته؟ چه کسی آنها را به وجود آورده؟ تولید این اطلاعات به منظوری بوده؟ و چه پیامدهایی در پی داشته است؟...

با این تفسیر به نظر می‌رسد، اگر به معنا و کیفیت اطلاعات بپردازیم، باید فرض جامعه‌ای جدید (جامعه اطلاعاتی) را کنار بگذاریم!



دانیل بل، ساخت اجتماعی اقتصاد، ساخت اشتغال و نظام قشر بندی را در حدود جامعه پسا صنعتی مهم می‌داند

شده است:

الف) تفکیک بخش‌های اطلاعاتی از غیر اطلاعاتی اقتصاد، به سادگی ممکن نیست.

ب) با این تقسیم‌بندی، بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی بسیار ناهمگن، همگن فرض شده است. به روایتی این تقسیم‌بندی، کیفیت را با برکنشیدن کمیت، نادیده می‌گیرد.

ج) کماکان معلوم نیست چه وقت جامعه وارد عصر اطلاعات می‌شود. وقتی ۵۰٪ از تولید ناخالص ملی، سهم بخش‌های اطلاعاتی باشد؟ بیش از ۵۰٪؟ کمتر از ۵۰٪؟

۳- تعریف شغلی

این تعریف بر تغییر حرفه‌ای و شغلی تأکید دارد. زمانی به وصال جامعه اطلاعاتی نایل می‌شویم که مشاغل اطلاعاتی در بازار اشتغال، برتری یابد. به این معنی که تعداد کارمندان، معلمان، وکلا و... بیش از کارگران یدی گردد. این تعریف در مواردی با تعریف اقتصادی جامعه اطلاعاتی همپوشانی دارد.

انتقادات

سه انتقاد وارد بر تعریف اقتصادی جامعه اطلاعاتی، در اینجا نیز وارد است:

الف) تشخیص کارگران یدی از شاغلین مشاغل اطلاعاتی به سادگی ممکن نیست.

ب) در این تقسیم‌بندی، مشاغل بسیار ناهمگن، همگن فرض شده‌اند.

ج) در این تعریف نیز کیفیت به اندازه کمیت مدنظر قرار نگرفته است.

۴- تعریف فضایی

تأکید این تعریف بر فضا به معنای جغرافیایی آن است. در واقع شبکه‌های اطلاعاتی که جاهای مختلف را به یکدیگر مرتبط می‌سازد و در نتیجه اثرات شگرفی بر سامان زمان و فضا می‌گذارد، مورد نظر این تعریف است. ژان گودار، چهار عنصر وابسته به هم را برای ورود به جامعه اطلاعاتی، به ترتیب زیر برمی‌شمارد.

۱- اطلاعات، منبعی استراتژیک، برای سامان‌دهی اقتصاد جهانی است.

۲- تکنولوژی کامپیوتر و ارتباطات، زمینه توزیع و پردازش

اطلاعات را فراهم می‌سازد.

۳- رشدی استثنایی، در بخش اطلاعات قابل معامله پدید آمده است.

۴- اطلاعاتی شدن بیش از پیش اقتصاد، زمینه‌ساز ادغام اقتصاد ملی در اقتصاد منطقه‌ای و جهانی است.

بدین ترتیب، مرزهای جغرافیایی عقب رفته و زمان و فضا به گونه‌ای متفاوت سامان می‌یابند (به قول آنتونی گیدنز «فشرده‌گی زمانی فضایی»). در هر حال این فشرده‌گی زمانی - فضایی، حق انتخاب‌هایی به افراد (اعم از حقیقی و حقوقی) اعطا می‌کند که پیش از این دست‌نیافتنی بود.

انتقادات

منتقدین چهار انتقاد بر تعریف فضایی جامعه اطلاعاتی وارد کرده‌اند:

الف) تعریف شبکه در این تعریف دقت لازم را ندارد و معلوم نیست واقعاً چه چیزی یک شبکه را شکل می‌دهد؟ ب) وجه تمایز این تعریف از تعریف تکنولوژیکی جامعه اطلاعاتی مشخص نیست.

ج) با فرض اینکه تأکید این تعریف بر جریان اطلاعات است، معلوم نیست چه حجمی از اطلاعات و با چه سرعتی،

فصل ۳) جامعه اطلاعاتی به عنوان پسا صنعتی گرایی: دانیل بل

دانیل بل در اواخر دهه ۱۹۵۰ تئوری پسا صنعتی گرایی را برای نخستین بار مطرح نمود و سپس در حدود سال ۱۹۸۰ - در هنگامه رشد و توسعه تکنولوژی‌های کامپیوتر و ارتباطات راه دور - پیشوند اطلاعات و دانش را بدان افزود. وی به عنوان یک مخالف کل گرایی (anti-holist) معتقد است جوامع پیشرفته اساساً متشکل از قلمروهای منفک و مستقل است. این قلمروهای مستقل و خودمختار از یکدیگر عبارتند از: ساخت اجتماعی، سیاسی و فرهنگ. در نتیجه جوامع دیگر آن گونه منسجم و سازمان یافته نیستند که بتوان آنها را بطور تحلیلی یک سیستم به حساب آورد. بل بر این باور است که این گونه جدید از جوامع - جوامع پسا صنعتی - بر اثر تغییر در ساخت اجتماعی حادث می‌شود. در جامعه پسا صنعتی، نقش اساسی از آن اطلاعات. دانش است، چه به لحاظ کمی و چه به لحاظ کیفی. چرا که جامعه پسا صنعتی نیازمند مقادیر بیشتری اطلاعات است و از سوی دیگر نیازمند یک تغییر کیفی، خاصه در دانش نظری است. در نتیجه در جامعه پسا صنعتی نه تنها اطلاعات بیشتر بلکه نوع متفاوتی از اطلاعات و دانش مورد نیاز است. به هر حال آن چنان که خود بل نیز اذعان دارد مدل جامعه پسا صنعتی، بیشتر یک نمونه آرمانی (ideal type) است تا شاهد مثال.

با این حال بل به عنوان یک «نوتکامل گرا» معتقد است امریکا جهان را به سمت یک نظام جدید هدایت می‌کند. جنبش و حرکتی که از جوامع پیش صنعتی به صنعتی، و از آن به پسا صنعتی است. اگر بخواهیم وارد جزئیات اندیشه بل شویم باید در نظر آوریم که وی قلمروی اجتماعی را در حدوث جامعه پسا صنعتی مهم می‌داند. براین اساس باید توجه داشت که منظور وی از ساخت اجتماعی اقتصاد، ساخت اشتغال و نظام قشر بندی است. لذا با مراعات همان سنخ شناسی تکاملی حرکت از جوامع پیش صنعتی به پسا صنعتی، جوامع از اتکا به نیروی کار کشاورزی به اتکا به نیروی کار کارخانه‌ای و در نهایت (در جوامع پسا صنعتی) به اتکا بر نیروی کار و اشتغال بخش خدمات تبدیل می‌شود. (تکامل می‌یابد).

باید دانست ریشه این حرکت تکاملی از نظر بل اصل بهره‌وری است.

برای توضیح بیشتر باید در نظر داشت بخش خدمات مورد نظر بل، کارهای اطلاعاتی است که عمدتاً از مشاغل یقه سفیدها به شمار می‌آید. مشاغلی که به جای سر و کار داشتن با اشیا با مردم سرو کار دارد. مشاغلی که نیازمند تحصیلات و تعلیمات خاصی است، به روایتی، حرفه‌ای شدن این گونه مشاغل. با افزایش مشاغل حرفه‌ای، نقش کارگران فکری افزایش یافته، کیفیت، برجستگی می‌یابد. پس دانش نظری در جامعه پسا صنعتی تقدم می‌یابد و شاخص‌های آن عبارت است از: (۱) افزایش مدارک تحصیلی (۲) گسترش

سازمان و افزایش بودجه‌های (RD) گسترش سازمان‌های پیچیده.

انتقادات

شاید مهمترین انتقاد بر کار بل، گرفتار آمدن وی در دام جبرگرایی تکنولوژیک باشد که اولاً تکنولوژی‌ها را عامل قطعی تغییر اجتماعی می‌شناسد و ثانیاً تکنولوژی را فارغ از جهان اجتماعی معرفی می‌کند.

فصل ۴) اطلاعات، دولت ملی و نظارت: آنتونی گیدنز

گیدنز معتقد است جوامع جدید از بدو پیدایش، اطلاعاتی بوده‌اند. چرا که جوامع جدید در چهارچوب دولت‌های ملی قابل شناسایی‌اند و دولت ملی، منطقه‌ای محصور تحت قدرت سیاسی خاصی است که دارای اطلاعات بخصوصی است. یعنی دولت ملی حداقل باید اتباع خود را بشناسد. لذا دولت ملی متکی بر منابع زیر است: (۱) منابع اختصاصی (برای برنامه‌ریزی و اداره امور کشور) (۲) منابع اقتدار (برای اعمال قدرت و کنترل). حال آنکه تحصیل منابع مذکور نیازمند اعمال نظارت است.

به دیگر سخن، دولت ملی نیازمند اطلاعات درباره شهروندان است تا (۱) برای حفظ آرامش درونی، آنها را برای مقاله با دشمن خارجی بسیج نماید (۲) با استفاده از مالیات آنها و هزینه‌های حفظ آرامش را تامین نماید.

بدین ترتیب معلوم است که در جوامع جدید (دولت‌های ملی) چرا سازمان یافتگی، در همه اجزاء، به شدت به چشم می‌خورد. سازمان یافتگی نیازمند برنامه‌ریزی‌های دقیق و برنامه‌ریزی نیازمند اطلاعات منظم و مستمر درباره مردم و فعالیت‌های آنهاست. پس، سازماندهی و نظاره‌گری، با پیدایی جهان مدرن، متولد شده و بالیده است.

آنچه که پارادکس احساس می‌شود (قدرت انتخاب بیشتر و در عین حال قرار گرفتن در سازمان‌های تو در تو، پیچیده و بزرگ) برآمده از فرایند فردی شدن (individuation) و فرایند فردیت (individuality) به طور همزمان است. در فرایند فردی شدن، هر شخص بر حسب اطلاعاتی درباره نام، تاریخ تولد، محل اقامت و... نفرده می‌یابد. در حالی که در فرایند فردیت، فرد سرنوشت خویش را به دست می‌گیرد و گزینه‌هایی حقیقی برای کنترل زندگی خویش پیش رو دارد. بدین ترتیب از سویی افزایش فردی شدن منجر به کاهش فردیت می‌شود و از سوی دیگر، نیل به فردیت نیازمند فردی شدن است!

هر چند گیدنز بر دولت‌های ملی و اهمیت نظارت در آنها اشاره و تأکید می‌کند، لیکن از خطرات آن نیز غافل نیست: (۱) سوءاستفاده از فایل‌های اطلاعاتی (۲) دستیابی افراد بدون صلاحیت به فایل‌های اطلاعاتی گیدنز بر این باور است که این خطرات، از ارتباط پیچیده و مستحکم ثروت و تراکم اطلاعات از سویی، و ارتباط تنگاتنگ قدرت و تراکم اطلاعات، برمی‌خیزد.

علاوه بر اینها، گیدنز اشاره‌ای نیز به اهمیت جنگ و

اطلاعاتی شدن جنگ‌ها در جوامع جدید دارد.

فصل ۵) اطلاعات و سرمایه‌داری پیشرفته: هربرت شیلر

رویکرد شیلر اقتصاد سیاسی است که دارای سه ویژگی عمده است:

۱- توجه به ابعاد ساختی و رای اطلاعات است که نوعاً خصیصتی اقتصادی دارد نظیر مالکیت و...

۲- تحلیل سیستمیک اطلاعات - ارتباطات و در نظر گرفتن پدیده در متن نظام کلان اجتماعی - اقتصادی

۳- تأکید بر روند تاریخی پیدایی و گسترش اطلاعات و ارتباطات

پرسش اصلی شیلر این است: تکنولوژی جدید اطلاعات به نفع چه کسی و تحت کنترل کیست؟ براین اساس سه فراز مورد تأکید خاص شیلر، عبارت است از: (۱) توجه به مناسبات بازار در توسعه اطلاعات (کالایی شدن اطلاعات) (۲) نابرابری‌های طبقاتی و اطلاعات (دسترسی، توزیع و تولید) (۳) ملاحظه دو مورد پیشین در ایجاد سلطه سرمایه‌داری شرکتی بر جامعه.

در نهایت شیلر چنین نتیجه می‌گیرد: دینفع اصلی انقلاب اطلاعاتی، سرمایه‌داری شرکتی است. چرا که:

۱- اطلاعات و تکنولوژی‌های مرتبط، بیشترین بازار را فراهم آورده است.

۲- تکنولوژی اطلاعات، امکان هدایت کسب و کار را در سطح جهان، با کمترین تداخل با دولت‌های ملی فراهم آورده است.

۳- دسترسی شرکت‌ها به شبکه‌های اطلاعات بر مبنای مالکیت، برای آنها قدرت فراهم آورده است.

۴- سرمایه شرکتی، صرفاً از بیرون بفرایند تولید اطلاعات و تکنولوژی‌های مربوط تر نمی‌گذارد بلکه صنعت اطلاعات، در انحصار چند شرکت جهانی است.

از دیگر نکات قابل توجه در اندیشه شیلر مفهوم اطلاعات اشغال است. از نظر وی اطلاعات بیشتر، ضرورتاً و به خودی خود زندگی افراد را غنا نمی‌بخشد.

فصل ۶) مدیریت و دستکاری اطلاعات: یورگن هابرماس و انحطاط عرصه عمومی

هابرماس با بررسی‌ای تاریخی، پیدایش عرصه عمومی را از قرن هجده و نوزده بریتانیا (همراه با گسترش سرمایه‌داری) تا نیمه قرن بیستم که رو به انحطاط می‌گذارد، پیگیری کرده است. عرصه عمومی مدنظر هابرماس، عرصه‌ای مستقل از حکومت (حتی اگر با حمایت دولت پدست آمده باشد) و از نیروهای اقتصادی برای مباحث عقلانی - مباحثی که دستکاری نشده و تغییر شکل نیافته و مورد مصلحت و منفعت‌اندیشی واقع نشده باشد - است که در اختیار عموم قرار دارد و افکار عمومی در آن شکل می‌گیرد. بدین ترتیب، معلوم می‌شود که اطلاعات در این عرصه نقشی حیاتی بر عهده دارد.

لیکن هابرماس معتقد است استقرار سرمایه‌داری منجر به برپایی مجدد فنودالیسم در جامعه شده است. به این معنی که عرصه عمومی، عرصه‌ای برای نمایش قدرت (به جای مباحث عقلانی) شده و با تک قطبی شدن رسانه‌های توده‌ای، سرمایه‌داری بر نظام ارتباطات سلطه یافته است. چرا که رسانه‌ها که با ارائه اطلاعات، ابزار شکل دهی به افکار عمومی‌اند، با تسلط سرمایه‌داری بر آنها، کارکردشان

به تضمین منافع سرمایه‌داری تغییر کرده است.

اگر اطلاعات مبنای مباحث عقلانی است، اطلاعات صحیح و با معنا مد نظر است و نه اطلاعات نادرست.

در عرصه عمومی دو موضوع یا حوزه بسیار مهم است: ۱) نهادهای خدمات عمومی اطلاع رسانی و خبرپرکتی نظیر بنگاه‌های خبری، کتابخانه‌ها و... ۲) مدیریت اطلاعات که دست‌اندرکار تولید و توزیع اطلاعات مزخرف است. هر دو حوزه به انحطاط کشیده شده است. نهادهای خدمات عمومی اطلاعاتی با سوق به سمت قواعد بازار و کاربردهای تخصصی‌تر، کارکرد اطلاعاتی خود را از دست داده‌اند؛ مدیریت اطلاعات نیز که با هدف در کنترل نگاه داشتن اجتماع و شکل دهی افکار عمومی مطرح شده است، با سیاست پنهان کاری و نشت اطلاعات نادرست کارکرد اطلاعاتی خود را از دست داده‌اند.

فصل ۷) اطلاعات و بازساخت یابی: وروی فورددگرایی؟

ویژگی‌های دوره فورددگرایی متکثر (دوره فورددگرایی کیزی) را به شرح زیر برشمردند:

- ۱- تولید و مصرف انبوه
- ۲- محدود شدن نقش دولت به حفظ هماهنگی در اقتصاد
- ۳- ملاحظه پایداری جامعه با ارزیابی عملکرد رفاهی حکومت
- ۴- غلبه یافتن کارگران یقه آبی (صنعتی) در بازار کار
- ۵- اعمال سیاست‌های انحصاری گروهی در عرصه اقتصاد

از طریق دولت ملی

اما جهانی شدن یکی از مهمترین عوامل افول فورددگرایی و از ویژگی‌های دوره پسافورددگرایی است. جهانی شدن صرفاً به معنی بین‌المللی شدن فزاینده تعامل میان دولت‌های ملی مستقل نیست بلکه علاوه بر این به معنی رشد متداخل و با وابستگی متقابل روابط انسانی در کنار انسجام روزافزون زندگی اقتصادی - اجتماعی جهان است. لیکن جهانی شدن نیازمند زیرساخت اطلاعاتی است، که عناصر اصلی آن از این قرار است:

- ۱- گسترش جهانی خدماتی نظیر بانکداری، بیمه، مالی، تبلیغات و...
- ۲- پیدایی و گسترش ساختار تکنولوژیکی کامپیوتری و ارتباطی
- ۳- رشد جریان اطلاعات با سرعتی فوق العاده بالا

بدین ترتیب به ۱) برجستگی یافتن شرکت‌های فراملی (کمرنگ شدن مالکیت ملت‌ها و حق حاکمیت دولت‌های ملی) و ۲) فشار ناشی از عمل در زمینه اقتصاد جهانی (خاصه در جریان‌های مالی)، مرگ فورددگرایی فرا می‌رسد.

پسا فورددگرایی، علاوه بر روندهای مذکور، با رکود دهه

به نظر گیدنز، سازمان یافتگی و نظاره‌گری، با پیدایی جهان مدرن، متولد شده و بالیده است

۱۹۷۰ و بازساخت یابی سازمان‌های شرکتی (رژیم نوین تکاثر) قدم به عرصه وجود نهاد. شرکت‌ها تجزیه شدند، بیکاری فزونی گرفت و کارها به سمت مقاطعه‌کاری رفت. این امور نیازمند زیرساخت مناسبی برای ارتباطات و کامپیوتر بود که اطلاعات در این زیرساخت نقشی برجسته دارد، چرا که:

- ۱- برای نقل و انتقال مالیه در سطح جهانی ضروری است.
- ۲- برای بهبود محصولات و فرایندهای تولید مهم است.
- ۳- برای بازاریابی جهانی اساسی است.
- ۴- برای ارتقای توان رقابت در سطح جهانی حیاتی است.

پس مهمترین ویژگی پسافورددگرایی را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

- ۱- تولید و مصرف سفارشی
- ۲- انعطاف پذیری کارکنان
- ۳- تمرکز زدایی
- ۴- افزایش خدمات شهری
- ۵- کار بیجانکاری (حضور گسترده کارکنان زن پاره وقت)

فصل ۸) اطلاعات و پسامدرن گرایی

پسامدرن گرایی مدعی است که جهان را فقط از زبان می‌توان شناخت. یعنی زبان ابزاری برای توصیف واقعیتی عینی وروی کلمات نیست (در هم شکستن اسطوره شفایت). بلکه نمادها و تصاویر تنها واقعیتی است که داریم. واقعیت را از خلال زبان در نمی‌یابیم بلکه زبان واقعیتی است که در می‌یابیم برای این اساس ما در دنیایی که از آن اطلاع داریم، زندگی نمی‌کنیم، بلکه ساکن دنیایی هستیم که اطلاعاتی است.

فصل ۹) اطلاعات و تغییر شهر: مانوئل کاستل

کاستل متاثر از مارکسیسم آلتوسری، متوجه تغییرات پس از جنگ جهانی دوم، به ویژه دهه ۱۹۷۰ آمریکا است. اندیشه اصلی کاستل از این قرار است که بازساخت یابی سرمایه‌داری، به همراه نوآوری تکنولوژیکی منجر به تحولی اجتماعی و در نتیجه تحول شهر شده است. در این مسیر وی شیوه سرمایه‌داری تولید را از شیوه اطلاعاتی توسعه تفکیک می‌کند. امروزه پردازش اطلاعات، پارادایم تکنولوژیکی غالب است که شیوه نوین توسعه محسوب می‌شود. در این شیوه، فعالیت بر مبنای موثر بودگی و بهره‌وری تمام فرایندهای تولید، توزیع، مصرف و مدیریت استوار است.

بدین ترتیب، انکار کاستل میان تنظیمات اجتماعی و لوازم فنی، تمایز قائل می‌شود و با این استقلال نسبی به پیشواز تعیین کنندگی تغییر اجتماعی بوسیله پیشرفت‌های فنی در تولید می‌رود (چیزی که از کاستل مارکسین بعید به نظر می‌رسد).

کاستل به درستی دریافته است که فرایند تمرکز زدایی و

تمرکزگرایی بطور همزمان رخ داده است. به قسمی که با توسعه شبکه‌ها در سراسر جهان، جریان اطلاعات اهمیت یافته و بدین ترتیب از اهمیت جاهای خاص، کاسته شده است. حال آن که به طور موازی، جاهایی که مراکز تولید، توزیع و مدیریت اطلاعات را بر عهده دارند و کنترل اطلاعات را در دست دارند، پدید آمده است. از سوی دیگر کاستل متوجه تغییر در ساخت طبقاتی شهر است. شهر اطلاعاتی، نیازمند کارکنان

اطلاعاتی است. پس در شهر اطلاعاتی، مشاغل یدی رو به کاهش می‌گذارد. در حالی که مشاغل خدماتی رو به رشد است. البته نه مشاغل خدماتی تولیدکننده و دارای منزلت که از پردرآمدترین مشاغلند بلکه مشاغلی که نیازمند کمترین مهارت اند، با کمترین حقوق و اغلب پاره وقت، ناپایدار و وابسته به فرصت‌های شغلی اقتصاد غیررسمی و عمدتاً هم دربرگیرنده زنان و با پرداخت پول نقد (برای فرار از مالیات و موانع حقوقی اشتغال فارغ از مزایای قانونی).

پس در شهر اطلاعاتی، طبقه فرودست در کنار طبقه فرادست تشکیل می‌شود. چیزی که کاستل آن را شهر دو قطبی یا دو گانه می‌نامد. فرهنگ غالب شهر اطلاعاتی از آن تولیدکنندگان اطلاعات است، هر چند که به لحاظ تعداد در اقلیتند.

ویژگی‌های این طبقه فرادست جدید که یک طبقه هژمونیک است از قرار زیر است:

- ۱- سطح بالای تحصیلات و در نتیجه درآمد
- ۲- شیفتگی نسبت به برخورداری از امکانات رفاهی مرکز شهرهای بزرگ
- ۳- جهان وطنی
- ۴- تفکر جهانی
- ۵- گذراندن زندگی روزمره با گشت و گذار در شبکه‌های ارتباطی کامپیوتری جهان گستر
- ۶- اقامت بین‌المللی
- ۷- برخورداری صاحبان کار آنها از منافع سرشار در همه کشورها

۸- دائم السفر بودن

- ۹- اطلاع از چگونگی دسترسی به اطلاعات و در اختیار داشتن اسباب دسترسی به اطلاعات
- اما ویژگی‌های طبقه فرودست را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- ۱- به شدت محلی‌گرا بودن
- ۲- محدود بودن روابط به الگوهای ثابت روابط خویشاوندی و همسایگی
- ۳- بی میلی نسبت به مسافرت
- ۴- گرایش به خلاصه کردن و تقلیل جهان به فرهنگ خاص خود

بر این اساس مفاهیم فقیر و غنی اطلاعاتی (information rich and information poor) در ادبیات کاستل، در شهر جهانی (global city) آفریده می‌شود.